



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

نگاه اجمالی به

تحولات اخیر در هنگ کنگ



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: رحیم خجسته

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	■ مقدمه و طرح مسئله
1	■ موقعیت جغرافیایی و سیاسی
2	■ بازگشت به آغوش مادر
2	■ نگاه چین به هنگ کنگ
3	■ خواسته های معترضان
3	■ دیدگاه مردم چین و هنگ کنگ
3	■ نقض حقوق بشر بهانه است!
4	■ هنگ کنگ از منظر حقوق بین الملل
4	■ سرانجام!

■ مقدمه و طرح مسئله

شورش‌های هنگ کنگ چند ماهی است به بهانه لایحه استرداد مظنونان و متهمان به چین آغاز شده است. لایحه‌ای که اگر تصویب می‌شد، به مقامات محلی اجازه می‌داد تا افراد تحت تعقیب را به مناطقی که هنگ کنگ با آنها توافق‌نامه استرداد ندارد، از جمله سرزمین اصلی چین و تایوان، استرداد کنند. این لایحه اولین بار توسط جان لی وزیر امنیت، در فوریه ۲۰۱۹ مطرح شد. در ۹ ژوئیه کری لم رئیس اجرایی هنگ کنگ اعلام کرد که این لایحه ملغی شد. اما علی‌رغم لغو این لایحه شورشیان در طول تابستان به خیابان‌ها آمدند. به اعتقاد کارشناسان حوزه شرق آسیا شورش‌های اخیر هنگ کنگ خاطرات انقلاب‌های رنگین و مخملی غرب علیه گرجستان، اوکراین و ... را زنده کرد. بار دیگر همان پروژه در هنگ کنگ در حال اجراست. فقط نماد آن متفاوت است. تظاهرات اخیر هنگ کنگ «منطقه ویژه اداری چین» که اصطلاحاً به «انقلاب چترها» (اغلب اعتراضیون چتر حمل می‌نمایند) معروف شده است. به رغم تبلیغات برخی از رسانه‌ها و اتاق فکر غربی‌ها از بنیه فکری قوی مردمی برخوردار نیست. حال سوال مهم این است که علی‌رغم این که این شورش‌ها ره به جایی نخواهد برد چرا کشورهای غربی همچنان به دنبال دمیدن آتش در هنگ کنگ هستند؟ برای یافتن پاسخ این سوال مصاحبه علمی با آقای محمد مهدی غفاری کارشناس مسائل چین صورت گرفته است. به اعتقاد این کارشناس تحولات هنگ کنگ بنیه دار نبوده و دولت چین به راحتی خواهد توانست این شورش‌ها را کنترل کند؛ لذا پکن سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفته است.

■ موقعیت جغرافیایی و سیاسی

هنگ کنگ که به معنی «بندرگاه عطرآگین» است شهری جزیره‌ای است که در جنوب چین قرار گرفته است. منطقه خودمختار هنگ کنگ با هفت میلیون و ۲۳۰ هزار نفر جمعیت از مهم‌ترین بازارهای مالی و تجاری آسیا و جهان به شمار می‌رود. هنگ کنگ از سال ۱۸۴۲ تحت حاکمیت بریتانیا بود اما در سال ۱۸۹۸، دولت‌های بریتانیا و چین معاهده‌ای را امضا کردند که براساس آن، هنگ کنگ به صورت اجاره ۹۹ ساله در اختیار بریتانیا قرار گرفت. این جزیره در سال ۱۹۹۷ و پس از پایان یافتن پیمان پیشین به جمهوری خلق چین پیوست. منطقه هنگ کنگ یکی از دو منطقه تقسیماتی ویژه در جمهوری خلق چین است. منطقه دیگر ماکائو است. زبان‌های رسمی در هنگ کنگ چینی و انگلیسی است. زبان رایج در هنگ کنگ اما عملاً زبان کانتونی است که یکی از گونه‌های چینی می‌باشد. ۹۳/۶ درصد از مردم هنگ کنگ چینی تبار هستند. هنگ کنگ به خاطر بندرگاه طبیعی عمیق خود که پذیرای کشتی‌های بزرگ باربری بین‌المللی است، از موقعیت ژئواکونومیکی برخوردار است.



■ بازگشت به آغوش مادر

در سال ۱۹۸۴ میلادی قراردادی بین "جیانگ زمین" رئیس جمهور و دبیر کل حزب کمونیست چین و "مارگارت تاچر" نخست وزیر وقت انگلیس درباره هنگ کنگ و چگونگی الحاق آن به سرزمین مادری یعنی چین و مکانیسم‌های لازم برای این تحول بسته شد. در عین حال رئیس جمهور چین طبق این قرارداد پذیرفته است تا هنگ کنگ به مدت ۵۰ سال به شیوه سرمایه داری اداره شود. در واقع هنگ کنگ با فرمولی که دنگ شیائوپینگ ارائه داد، یعنی یک کشور - دو نظام اداره شود. چین خودمختاری عالی را به هنگ کنگ اعطاء کرد و پذیرفت که در امور داخلی آن مداخله نکند و طرف انگلیسی هم به تصریح اعلام کرد که دیگر بندر هنگ کنگ تحت نظر لندن اداره نمی‌شود و به خاک چین ملحق شد. در اول ژوئیه سال ۱۹۹۷ میلادی "کریستوفر فرانسیس پاتن" فرماندار و فرمانده کل نیروهای مسلح هنگ کنگ با نیمه افراشته کردن پرچم انگلیس و البته با چشمانی پر از اشک برای همیشه با هنگ کنگ وداع کرد. بدینسان یک بار دیگر مرغ تخم طلای چین به آغوش مادر بازگشت.

■ نگاه چین به هنگ کنگ

برداشت منطقی این بود که چین با دست پر، عمل کرد و نیازی به رجز خوانی نداشت. طرف انگلیسی نیز بی شک به دلایلی بسیار روشن، از جمله نداشتن هژمونی کافی وادار شد تن به چنین قراردادی بدهد اگرچه شاید هنوز آثاری از بالندگی هژمونیک انگلیسی‌ها در جنگ اول و دوم تریاک مشاهده می‌شود. ولی واقعیت این است که تحولات در هنگ کنگ آن چنان ریشه دار نیست تا قابل حل نباشد. مطالبات ساکنان هنگ کنگ و البته بیش از نیمی از آنها رنگ و بوی غربی دارد. بدان معنا که در پی ارزش‌های غربی هستند

و معتقدند پلورالیسم سیاسی در این بندر به دلیل سایه سنگین چین بر آن بعد از ۱۹۹۷ عملاً رنگ باخته است. اما در این واقعیت که چین پذیرفت هنگ کنگ، ۵۰ سال به شیوه سرمایه داری اداره شود، تردیدی نیست.

■ خواسته های معترضان

طرفداران حزب دموکرات در هنگ کنگ پیوسته بر همین مسئله تاکید دارند که نظام سرمایه داری سازوکار خود را دارد. یعنی مبارزات انتخاباتی بین چند حزب و علی القاعده مدیر اجرایی هنگ کنگ باید محصول همین مبارزات انتخاباتی باشد. معترضان به سیاست چین در هنگ کنگ می گویند از تاریخ الحاق این بندر به سرزمین مادری یعنی چین هیچ گاه کاندیدای آنها که بی شک طرفدار سیاست غرب است، روی کار نیامده است. ضمن آنکه چین هر بار که هنگ کنگ آماده یک انتخابات می شود با اتخاذ تدابیر شدید امنیتی تلاش می کند، برآیند مبارزات انتخاباتی با هر وضعیت دیگر به سود چین تغییر کند. نیمی از ساکنان هنگ کنگ باور ندارند که رشد اقتصادی در چین به بهبود وضعیت حقوق بشر کمک کند. برخی شهروندان هنگ کنگی طرفدار غرب می گویند: غالباً برد با کسی است که خود را برای هر باختی آماده می کند. به زعم این دسته از ساکنان هنگ کنگ چین بازنده اصلی حقوق بشر است.

■ دیدگاه مردم چین و هنگ کنگ

چین در بیش از پنج دهه تمرین در عرصه سیاست و گرفتن نمره قبولی دستکم از مردم خود می گوید برای کشتن دشمن به چه نیاز داریم؟ جرئت، جرئت و باز هم جرئت. کارشناسان حوزه علوم اجتماعی چین با اشاره به دیپلماسی خویشدارانه رهبران چین، البته از قدرت آنها در فرونشاندن فتنه های سیاسی، فرقه گرایی، تجزیه طلبی و تروریسم یاد می کنند. به گفته این متخصصین، چین توانست بیماری سارس را با هزینه بسیار بالا مهار کند. چین با فرقه "فالون گون" را که معتقد به حرکت های ورزشی و تعالیم بودایی بود، مقابله کرد. چین در ۱۹۵۹ قیام تبت را کنترل کرد. این کشور در ژوئن سال ۱۹۸۹ میلادی فتنه به اصطلاح دموکراسی خواهی در میدان "تیان ان من" پکن را که خاستگاه بورژوازی غربی داشت به شدت سرکوب کرد. همچنین این کشور توانست با اعمال قانون قضا بسیاری از کادرهای حزبی فاسد را به مرگ یا زندان های طولانی مدت محکوم کند. چنانچه از این منظر بخواهیم اراده مقامات پکن را در مورد تحولات هنگ کنگ به سنجش بگذاریم، بی هیچ تردیدی، پکن به آسانی نوشیدن یک لیوان آب، مسائل و موضوعات هنگ کنگ را مدیریت خواهد کرد.

■ نقض حقوق بشر بهانه است!

نیازی به این نیست که چین به سمت اقدامات و تدابیر سخت در مورد هنگ کنگ گام بردارد. اما اساساً رقم خوردن این گونه تحولات در هنگ کنگ که می تواند در اثر فقدان تدبیر به بحران تبدیل شود. صرف نظر از اینکه آمریکا و برخی کشورهای اروپایی به چه میزان در آن دخیل هستند، بهانه برای تضعیف چین است. به عنوان مثال بحران در تبت، سین کیانگ و موج به راه افتاده استقلال خواهی در تایوان و مهم تر از همه دفاع و جانبداری از حقوق بشر؛ همگی بهانه های غرب و در رأس آنها آمریکا برای تضعیف چین به عنوان رقیب اقتصادی و سیاسی است. بحران در هنگ کنگ به مدد پایگاه های تبلیغاتی غرب در کانون توجهات جهانی قرار گرفته است. مسلماً با بمباران تبلیغات علیه چین، برخی افکار عمومی منطقه و جهان دچار تردید می شوند و می پذیرند که چین به

آنچه که وعده داده بود، عمل نکرد. به عنوان مثال؛ در تبت، دالایی لاما رهبر بودایی و تبعیدی بوداییان تبت و حامیان غربی او هرازگاهی دولت چین را به تلاشی برای سرکوب، امحای فرهنگ ریشه دار بودیسم و تلاش برای تغییر ترکیب جمعیتی در گستره تبت متهم می کنند.

دقیقاً همین نگاه را امریکا و انگلیس و برخی کشورهای اروپایی در هنگ کنگ دارند. از یاد نبریم که امریکا در زمان جرج بوش پسر همراه با برخی کشورهای اروپایی خواستار تحریم المپیک پکن و تشدید تحریم‌های تجاری علیه چین بودند تا از رهگذر این تحریم ها، چین را از رسیدن به اهداف راهبردی در زمینه توسعه باز دارند. اما هیچ گاه موفق نشدند. دولت چین در حالی با بحران پدیدار شده در هنگ کنگ مواجه است که نگاهش روی طرح‌ها و برنامه‌ها کاملاً راهبردی و بلندمدت داخلی و خارجی متمرکز است. امریکا، انگلیس و فرانسه چین را ناقض حقوق بشر می دانند. رهبران این دسته از کشورهای غربی هم صدا می گویند؛ ما نمی توانیم آن چه را که در تبت، سین کیانگ و اکنون در هنگ کنگ رخ می دهد، بپذیریم. اما چین برخوردهای امریکا و برخی متحدان اروپایی اش را در مورد مسائل هنگ کنگ ناشی از داشتن ذهنیت دوران جنگ سرد برای تقابل با چین می داند.

■ هنگ کنگ از منظر حقوق بین الملل

از منظر حقوق بین الملل هیچ بهانه‌ای برای اعمال فشار به چین وجود ندارد. چرا که چین منافع خود را در قبل و بعد از جنگ سرد در انطباق کامل با شرایط موجود دنبال کرده است و بر اساس قراردادهای اجتماعی و سیاسی در پی تنظیم راهبرد خود بود. از جمله در مورد هنگ کنگ همان طور که اشاره شد، چین در پنج دهه گذشته با تحولات بزرگ تری روبرو بود که اگر دیپلماسی خویشتندارانه و همه جا حاضر چین نبود، بی شک این کشور دستخوش مسائل مهمتری می شد. اکنون صدای میلیون‌ها چینی در کنار کادر رهبری نسل پنجم بالا رفته که می گویند غرب در گذشته به نام دموکراسی، دموکراسی را در دیگر کشورها نابود کرده است. به نام آزادی، آزادی را خفه کرده است و به نام حقوق بشر، حقوق میلیون‌ها انسان مشرق زمین را پایمال کرده است. به هر حال چین برای این که کمتر در معرض انتقادهای تند غرب قرار گیرد از همان نخستین سال الحاق هنگ کنگ به سرزمین مادری، قوانینی را مصوب کرد که بار حقوقی و اجرایی داشت. از جمله ایجاد شورای قانونگذاری در منطقه ویژه تجاری هنگ کنگ. این شورا دارای ۶۰ عضو است که ۳۰ عضو آن به طور مستقیم از طریق انتخابات تعیین می شوند و 30 عضو دیگر به طور غیرمستقیم از طریق نهادهای وابسته به دولت چین انتخاب می شوند.

■ سرانجام!

معترضان به سیاست چین همیشه روی همین مسئله تمرکز دارند که احزاب به اصطلاح دموکراسی خواه به دلیل دخالت عناصر طرفدار چین در انتخابات، متضرر می شوند. این همان بهانه ایست که معترضان به سیاست چین را هرازگاهی وادار به اعتراض و تظاهرات خیابانی می کند. با توجه به آنچه که گفته شد هدف اصلی امریکا با تمرکز بر تئوری جورج کنان^۱، سیاست مهار است. به گفته جورج کنان امریکا فقط از طریق مهار کشورها می تواند هژمونی خود را به عنوان قدرت برتر حفظ کند.

^۱ - جورج فراست کنان (۱۹۰۴-۲۰۰۵) دیپلمات، سیاستمدار و مورخ آمریکایی که به عنوان مشهورترین مدافع سیاست مهار شوروی در طول جنگ سرد شناخته می شود.